

(بعضی از وکلاء اظهار کردند که هر چه رای است اظهار فرمائید تا اقدام شود)
آقای آقا سید عبدالله - باید از طرف مجلس وکیل قائل احضار شده و در این موضوع گفتگو شود و فرار این امر داده و قطع صل شود و الا بانظار اینکه طرف حاضر شود یا اینکه دیده قتل بوارت مقول بدهد نتیجه حاصل نخواهد شد و بهینین طور که تاکنون بسامحه گذشته خواهد گذشت بالاخره شرحی بهین مضمون بصدارت عظمی نوشته شد.

مذاکرات دار الشوری ملی پنجمین بیست و ششم شوال

آسید حسین بروجردی - اعضاء کمیسیون عدلیه که معین شده اند باید برای تعیین اعضاء کمیسیون ترتیب مایه اخذ رای نمود.
 دیگر اینکه هفته سه روز که برای تشکیل کمیسیون مایه گفته اند کم است زیرا که تا اول سال وقتی باقی نمانده و باید بودجه اصلاح شود.
آمیرزا محسن - اعضاء کمیسیون را باید معین نمود لیکن هر روز اعضاء نمی توانند در این بیعت گفتگو نمایند مباحث و کارهای دیگر هم در پیش است **رئیس** - فعلا این مسئله تا این اندازه لایق مذاکره نیست زیرا کار کردن و نکردن منوط بوجود و عدم کار است در صورتیکه از دوائر دولت ادراج کار شود هفته ای شش روز یا هفت روز هم لازم باشد باید کار کرد و اگر نشود همین وقت کافی است.
آسید حسین - باید بودجه مطالبه شود و مشغول آن شوند.

رئیس - بنا شده است از طرف وزارت مایه حاضر شوند و حاضر شدن مطالبه نمی خواهد.

حاج سید نصر الله - پس از اینکه وزرا اظهار اتفاق با مجلس میکنند و خود را همراه و هم دست قلم میدهند دیگر چرا اعضاء مجلس آنها را راجه اضداد قلمداد می نمایند ، امروز باید اتحاد و همراهی نمود آنها برای پیش رفتن اینکار بخوبی حاضرند و بزرگترین فایده این مجلس را تسویه و تصفیه عمل مایه میدانند.

آقای آسید عبدالله - بر تمام افراد مجلس وغیره هم معلوم باشد که مردم برای اقامه و تاسیس این مجلس جان دادند و سرها بر کف نهادند که مسلمانان در امنیت و رفاه باشند در ابتداء امر هدهدستان مجلس زیاد بود و حالا بعد از تالی خبلی کم شده از عده قلیل و از قوم غلبند لکن با وجود این باز این رفقا گاهی که فرصت بدست بیآورند نمکی در آش میریزند و کلای مجلس مامم بجهدش -

تعالی همه اشخاص صحیح کار کن کردن و بی غرض هستند و تا کنون از این مجلس کلمات بدو ناشایسته نسبت بشاهزادگان و اولیاء دولت گفته نشده پس این نسبت های نا شایسته که به مجلس میدهد ناشی از خائنین و مقصدین است بلی مجلس میکوبد چرا فلانچرا جاییدند و چرا در فلان ایالت ظلم کردند و چرا مرتکب فلان کار خلاف قانون و نا شایسته شدند این مذاکرات ربطی باشخاص معین ندارد ، معلوم است اعمال قبیحه باید گفته و مؤاخذه شود فرض از انتقاد مجلس هم همین است و البته اعضاء این مجلس خوب میدانند که این مجلس وسیله اتحاد دولت و ملت است و بعد از اتحاد این مجلس مابین مابین ملت و دولت یکدیگر در داشته شده است و هر کدام

خبرخواه یکدیگر هستند (سپس خطاب به حضار اظهار داشتند) اگر شنیده اید که اعضاء مجلس نسبت بکسی کلمه بدی گفته باشند بگوئید (تمام جواب دادند تا کنون بالنسبه بشخص معین در مجلس سوره نسبتی داده نشده است)

حاج سید نصر الله - کلاالات اجراء مقاصد و مطالبند نباید قلوب افراد ملت از ایشان رنجیده تکلیف آنها اظهار حسن و قبح است نظر بشخص ندارند مادامیکه هیئت دولت و ملت بالنسبه یکدیگر ضدیت دارند هیچکار پیشرفت نخواهد کرد چنانچه در خصوص خطابه ای که چندی قبل در مجلس خوانده شد چها نزد حضرت والا شماع السلطنه مذاکره کرد بودند که ایشانرا بشبهه انداخته بودند لکن پس از آنکه نزد خودشان قرائت شد تصعین و تمجید فرمودند معلوم است اینگونه افادات از وسائط و روابط است

آمیرزا ابوالحسن خان - هر گناه یکی از وکلا بگوئید که در فارس یا خراسان اینطور تعدی و ظلم شده یا اینطور قتل و غارت کرده اند آیا اظهار این شکایت بشخص حاکم بر میخورد یا نه (جواب دادند اینگونه مطالب باید گفته شود و ربطی به برخوردن بکسی ندارد) اگر مؤسسن بانک بگویند کسانی که سالهاست مبالغی مال دولت و ملت را حیف و میل و ذخیره کرده اند چرا امروز برای همراهی با بانک ملی حاضر نیستند آیا این اظهار بکسی بر میخورد یا نه (جواب دادند خیر) اینگونه مطالب باید گفته شود .

رئیس - فرض از انقاد مجلس اظهار مفاسد و اصلاح امور است اگر در ضمن اظهار شکایت از کسی شد نباید باعث رنجش بشود زیرا که در اینگونه اظهارات غرض شخصی در بین نیست و منظور اصل عمل است .

مواد قراردادنامه بانک ملی را قرائت نموده و در هر فصل از فصول آن از وکلا رای خواسته شد و در بعضی از فصول آن که قدری لازم بتوضیح بود گفتگو نموده اصلاح و تصویب گردید .

در فصل اول که نوشته شده بود که تمام اصالی ایران می توانند در این بانک شرکت کنند برای اینکه رهایای خارجه از این عنوان مستثنی شوند لفظ تبعه بجای لفظ اهالی گذاشته شد .

فصل دوم که مشتمل بر این بود که تمام واردات دولت باید در این بانک وارد شده و وزیر خزانه بحواله دولت از بانک دریافت نموده بخرج و مصارف دولت برسانند بجای لفظ وزیر خزانه وزیر مایه نوشته شد .

حاج محمد اسمعیل - گفتند که وزارت مایه برای کلیه جمع و خرج مالیات است نه خزانه و تحویل داری . گفتند پس باید خزانه دار نوشته شود پس از قرائت فصل سوم که مشتمل بود بر اینکه رئیس بانک معاملات ورهن املاک و قرض و استقرض از داخله و خارجه را بجزان شرع مطهر تشکیل و اداره می کند .

آمیرزا ابوالحسن خان - باید عنوان رهن و معاملات و ترتیب ض و استقرض هر یک مستقل و جدا گانه باشد سایرین تصدیق نمودند و به ترتیب مقرر شد .
 در خصوص فصل چهارم که مشتمل بر این بود که

پس از انتفاء مدت امتیاز بانک شاهنشاهی امتیاز آن متعلق باین بانک باشد .

آمیرزا ابوالحسن خان - باید مد امتیاز بانک شاهنشاهی و وقت انتفاء آن معلوم باشد تا امتیاز آن تجدید نشود .

در خصوص فصل پنجم که مشتمل بود بر اینکه بانک ملی در اخذ امتیاز خطوط شوشه و آهن با رعایت شروط متساویه از سایرین احق است .

صدیق حضرت - باید قسمی نوشته شود که کلیه امتیازات بغیر آنچه داده نشود و الا مجمل است .

آمیرزا ابوالحسن - در صورتیکه موافق صلاح مملکت باشد و مجلس تصویب کند چه ضرر خواهد داشت در جواب اظهار شد که با ملاحظه صلاح مملکت و تصویب مجلس ضرری ندارد .

در باب فصل ششم که مشتمل بوده بر اینکه در امتیاز استخراج معادن طلا و نقره با ملاحظه شروط متساویه بانک ملی مقدم بر سایرین است .

جواب دادند در صورتیکه کسی کشف معدنی نماید جهت ندارد بانک در اخذ امتیاز آن بر شخص کاشف مقدم باشد و این مسئله باعث تعطیل امر انکشاف معادن است و اگر چه کسی متصدی و متحمل زحمت و مصارف کشف معدنی که دیگران منافع آنرا جاب خواهند نمود نخواهد شد .

حاج معین التجار - این اجازه و امتیاز امروز داده میشود و بعد از این هر کس میخواهد امتیازی بگیرد بانک مقدم است .

آقای میرزا ظاهر - چه ضرر دارد کاشف معدن مقدم بر بانک باشد .

صدیق حضرت - معارج انکشاف را بانک بشخص کاشف بدهد و حق تقدم داشته باشد . صدی ده از منافع هم برای حقوق دولت کم است .

حاج معین التجار - شاید بانک متحمل مضارعی شود و نفی از آن حاصل نشود در اینصورت باید طوری باشد که لااقل ملت امید نفی داشته و راغب باین کار باشند .

رئیس - صدی ده حقوق دولت خوبست و در سایر ممالک هم ترتیب همین طور است و از تمام معادن حقوق دولت همین مقدار گرفته میشود لیکن این امتیاز طوری باشد که سد طریق سایرین در کشف معادن نشود و استخراج آن منحصر باین بانک نباشد .

حاج معین التجار - بانک باید جهت رجحان بر سایرین داشته باشد یا نه .

صدیق حضرت - همان تقدم در صورت تساوی شروط رجحان بانک است بر سایرین .

حاج امین دار الضرب - در نظامنامه بانک شرط خواهد شد که هر کس معدنی را کشف نماید بانک او را در آن معدن شریک میباشد .

رئیس - اینگونه امور بنظر بیاید که فایده دارد لیکن بانک نمی تواند این امر را در یک مملکت اداره کند زیرا هر کس انکشاف معدنی کرد بعضی اینکه بانک او را شریک کرد اظهار کشف خود را نخواهد کرد و همیشه معادن غیر مکشوف خواهد ماند .

آقای آقا میرزا سید محمد - اولاً از قرار مذکور بعضی از وکلای مجلس با خائنین دوستی و ارتباط دارند لازم است این امر را ترك کنند و الا بالاخره آشکار شده مورد بدنامی و افتخاح آنها خواهد

بوده تانیا هر یک از و کلا که تمام قوی حاضر در رسیدگی و اقدام بامور مجلس نیستند برای آنها بهتر اینست که استعفا کنند ثالثاً برای اینکه این بولی که از بانک بانو اوج داده میشود مثل سایر وجوه و حقوق سابقه آنها جیف و میل نشود خوب است خود اجزاء بانک در دادن آن نظر و اصلاح حضور داشته باشند .

مذاکرات شنبه بیست و هشتم شهر شوال المکرم

حاجی سید ابراهیم مسئله گوشت را باید ترتیبی داد خیلی متشوش است حال که چارگی بیست و شش شاهی میفرشند چند روز دیگر گوشت پیدا نخواهد شد .

جواب دادند که مسئله گوشت با حکومت است کسی قبول نکرده ربطی به مجلس ندارد .

رئیس - باید کسی حاضر بشود و قبول این مطلب را بنماید تا ترتیبی برای آن معین شود . پس همان مطلب قرارنامه بانک که موضوع مذاکره بود خوب است با تمام برسد .

حاجی سید نصر الله - مدت امتیاز بانک شاهنشاهی خوب بود معین میشد .

رئیس - مطلبی نیست معلوم خواهد شد ولی استکشاف و استخراج معادن که اختصاص ببنابک داده شده بود خوب است طوری بشود که نفع عمومی پیدا کند

آقا سید محمد مجتهد - اول ترتیب داخلی مجلس را منظم نمایند تا صحبتها و نظنها بر ترتیب و نظم باشد و منبری معین کنید هر کس نطق میکند در بالای منبر نطق کند هر کس بشنود و بفهمد گفتگوهای مجلس حال در همه جا از داخله و خارجه مطرح نظر و مواظب گردانند .

حاجی سید نصر الله - باید طوری باشد که آزادی در نطق باشد تا هر کس هر چه میدانند با استتلال بگوید البته هر مطلبی را منکر و مخالفی است اگر کسی حرفی بزند که بنظر اولیه منافی باشد مخالف مجلس و ملت قلمداد میشود و این مطلب موجب سلب امنیت و اطمینان است پس باید آزادی باشد که مطلب گفته شده بخوبی تشریح و توضیح شود

بعد امتیاز بانک ملی را قرائت نمودند
در فصل اول در عنوان دخول یا خروج تيمه خارجه .

اسد الله میرزا - آیا تيمه خارجه مثل فقفاز نمیتوانند شرکت کنند .

محقق الدوله - خیر مفید بشما بهیت دولت ایران است .

حاجی سید نصر الله - هر گاه طوری باشد که موجب استیلا خارجه نباشد چه ضرر دارد .

میرزا ابوالحسن خان - در صورتیکه تيمه خارجه در برابر محکوم بمحکمه دولت ایران باشد خوب است والا ضرر دارد .

(بعضی گفتند بانک برای ازدیاد ثروت و توسعه تجارت ملت است چنانکه گفته شد اگر بمقدار هشر از سهام بانک بمسلمانان خارج داده شود آنوقت هشر منافع بانک در خارجه می رود و این منافی با تشکیل بانک است .)

حاجی محمد اسمعیل - مسلمانان فقفاز در عالم اسلامیت و همدینی بجهت ما ما هم را می و مساعدت کنند چرا قبول نکنیم و بلکه قدری آنها را شرکت ندهیم .

رئیس - خیلی خوب است هر گاه تبعیت در معاملات داشته باشند مثل سایر ممالک که محکوم بمحکم داخلی آن ملک هستند .

حاج محمد اسمعیل آقا - فعلا تبعیت در حکم لازم نیست فراد دادی می کنیم که موجب زحمت بعد نباشد .

میرزا ابوالحسن خان - آنوقت يك عشر بمسلمانان فقفاز و يك عشر بمسلمانان عثمانی و هشری بمسلمانان هند و کذا بهمه اینها باید حق شرکت بدهید و این اسباب زحمت خواهد شد .

حاج محمد اسمعیل آقا - يك عشر برای تمام مسلمانان ممالک خارجه کافی است هر گاه شرایط و فرار دادی با آنها مقرر شد چه بهتر و هر گاه نشد همین نحو شرکت داشته باشند .

صدیق حضرت - مهادتید که اغلب دول از این راه که رها یا و نیمه ایشان حق شراکت در آن مملکت پیدا کردند بهانه گرفته پای دخالت دست تصرف در آن مملکت پیدا کردند شرکت خارجه هیچ صلاح ملت نیست .

حاجی معین التجار - هر گاه سفرا رضی شوند که معاملات باقر ارداد مخصوص با خود بانک باشد ضرر ندارد (گفتند در این صورت تبعیتی ندارد) در فصل دوم گفتگو در حواله خزانه شد که این حواله دهنده کیست اگر وزیر خزانه است که نداریم اگر وزیر مالیه است پس باید پایین اسم نوشته شود .

رئیس وزیر خزانه معمول نیست و نداریم و این بانک حالا حکم خزانه را پیدا خواهد کرد پس باید همان بعواله وزیر مالیه باشد .

سعد الدوله در همه ممالک اداره خزانه علیحده است حواله بر رئیس خزانه میشود باید وزیر مالیه امضا کند چیزی که هست رئیس خزانه هیچوقت مسئولیت ندارد مسئول وزیر مالیه است باید اسم از نوشته شود .

محقق الدوله - معلوم میشود که در لفظ خزانه غرضی ملحوظ بوده که اینطور نوشته اند از روی ترتیبی باید باشد .

سعد الدوله - بلی ترتیب ادارات بطور دیگر داده خواهد شد و ترتیب هم رجوع بن شد که دستور آنها نوشته شود از روی همان ترتیب در این موضع باید وزیر مالیه نوشته شود .

(در فصل سوم که بانک ملی معاملات زراعتی و رهن املاک و قرض و استقراض را بطور شرعی اداره نماید)

سعد الدوله - چون این بانک موسوم ببنابک ملی است باید مثل سایر بانکهای ملی باشد که معاملات آن فقط بطلا و نقره است رهن و معاملات دیگر را هر يك بانک علیحده است نباید این بانک سدره توسعه تجارت و ترقی ملت باشد سایرین هم حق دارند ملی امروز آن بانکها موجود نیست ولی بعد از این خواهد دائر شد پس نباید تمامی این معاملات اختصاص باین بانک داشته باشد .

حاجی معین التجار - چون فعلا بانک دیگری نیست این بانک میتواند که متصدی این معاملات شود نه اینکه بانک دیگر یا کسان دیگر نمیتوانند معاملات رهنی یا زراعتی یا غیر ذلک نمایند بطور امتیاز نیست بعنوان اجازه است

رئیس - در اینجا رعایت نکته لازم است و آن اینست که معین کنند چه مقدار از سهام بانک در فنان معامله صرف میشود چون این بانک شعبات پیدا میکند برای اینکه ضرر شعبه های دیگر وارد نیاید این تعیین لازم است .

ثقه السلطنه - باید يك ترتیبی برای بروات معین بشود که تکلیف مردم معلوم باشد .

سعد الدوله - چه ترتیبی بهتر از اینست که هیچ برات صادر نشود و مواجب شار را بموجب فرمان حواله بانک کرد سه ماه به سه ماه بشمار بپردازند .

در فصل ششم که مشتمل بر امتیاز معادن بود (غیر از طلا و نقره و جواهرات)

سعد الدوله هر گاه یکی از گاشنگان بانک ملی معدن طلائی درجائی کشف کرد تکلیف او چیست آیا همین نحو اورا مستور بگذارد که مال دولت است پس باید طوری باشد که آن مستکشف بتواند بدولت اطلاع بدهد و فرار دادی دولت مقرر کند تا آن معدن غیر مکشوف نماند .

رئیس در این فصل دو عیب است یکی استعمار طلا و نقره و جواهرات ، دیگری اختصاص آتروا ببنابک چون مؤسسين همه جا نیستند که استکشاف معادن کنند ولی افراد ملت همه جاهتند پس باید برای آنها هم حق استکشاف و استخراج باشد (بعد از مذاکره اجماع بر این شد که معدن طلا و نقره و جواهرات را هم ببنابکی حق استکشاف و استخراج دارد) ولی بقرارداد علیحده بعضی گفتند که اگر این معادن در ملک کسی باشد چطور است (جواب داده شد که ملک است)

سعد الدوله معلوم است که معدن حق و ملک صاحب ملک است ولی بعد از استخراج و کار کردن دولت راحقی هست که از او میگیرد ولی موضع مذاکره املاک موات و املاک دولتیست نه ملک خاص .

در فصل هفتم که امتیاز غواص از برای مروارید با بانگلی معین شده . بعضی گفتند که باید مفید باشد که خارجه غواصی نکنند جواب داده شد که ما میخواهیم که بمعاملت رفتار کنیم و معرکه هداشته باشیم و باید پول خارجه را وارد مملکت خود نمانیم تا صاحب صنایع و تجارت شویم این چیزها موجب ضرر نیست .

آقا سید محمد مجتهد ترتیب انتخاب و کلاهی باقیمانده و انتخاب و کلاهی سایر ولایات آخر چه شد .

رئیس - اعلانی نوشته شد که چاپ شود برای ملاکین و فلاحین تا حاضر شده انتخاب شوند .

آقای آقا سید محمد مجتهد باید از جانب مجلس چند نفر را معین کرده بفرستند در سایر ولایات تا انتخاب بکلاهی را مرتب دارند .

سعد الدوله - یکی از جهات تأخیر و کلام معدم رغبت حکام است با انتخاب و دیگر اینکه آنها صاحب مشاغلند و بعضی وسعت معاش ندارند لذا منتظرند که از جانب مجلس خبری برسد که معراج آیین و توقف چقدر است باید این مطلب معین و اطلاع داده شود .

محقق الدوله - در نظامنامه انتخاب معین شده که خرج و کلا بصوب مجلس باید باشد .

سعد الدوله - در همان نظامنامه هست که تاو کلاهی سایر ولایات نیامدند و کلاهی را بخلافه حاضرین میتوانند مشغول کار باشند این هم کار است مذاکره شود